

مشارکت هفتگی نوجوانان

هفته نهم
عیسی خود را قربانی میکند

سران کاهنان اتهامات بسیار بر او می‌زدند. پس پیلاتس باز از او پرسید: «آیا هیچ پاسخی نداری؟ ببین چقدر بر تو اتهام می‌زنند!» ولی عیسی باز هیچ پاسخ نداد، چندان که پیلاتس در شگفت شد. پیلاتس را رسم بر این بود که هنگام عید، یک زندانی را به تقاضای مردم آزاد کند. در میان شورشیانی که به جرم قتل در یک بلوا به زندان افتاده بودند، مردی بود باراباس نام. مردم نزد پیلاتس آمدند و از او خواستند که رسم معمول را برایشان به جای آورد.

مَرَقُس ۱۵:۳-۸



پیلاتس از آنها پرسید: «آیا می‌خواهید پادشاه یهود را برایتان آزاد کنم؟» این را از آن رو گفت که دریافت‌ه بود سران کاهنان عیسی را از سرِ رشک به او تسلیم کرده‌اند. اما سران کاهنان جمعیت را برانگیختند تا از پیلاتس بخواهند به جای عیسی، باراباس را برایشان آزاد کند. دیگر بار فریاد برآوردند که: «بر صلیبش کن!» آنگاه پیلاتس بار دیگر از آنها پرسید: «پس با مردی که شما او را پادشاه یهود می‌خوانید، چه کنم؟» پیلاتس از آنها پرسید: «چرا؟ چه بدی کرده است؟» اما آنها بلندتر فریاد زدند: «بر صلیبش کن!»

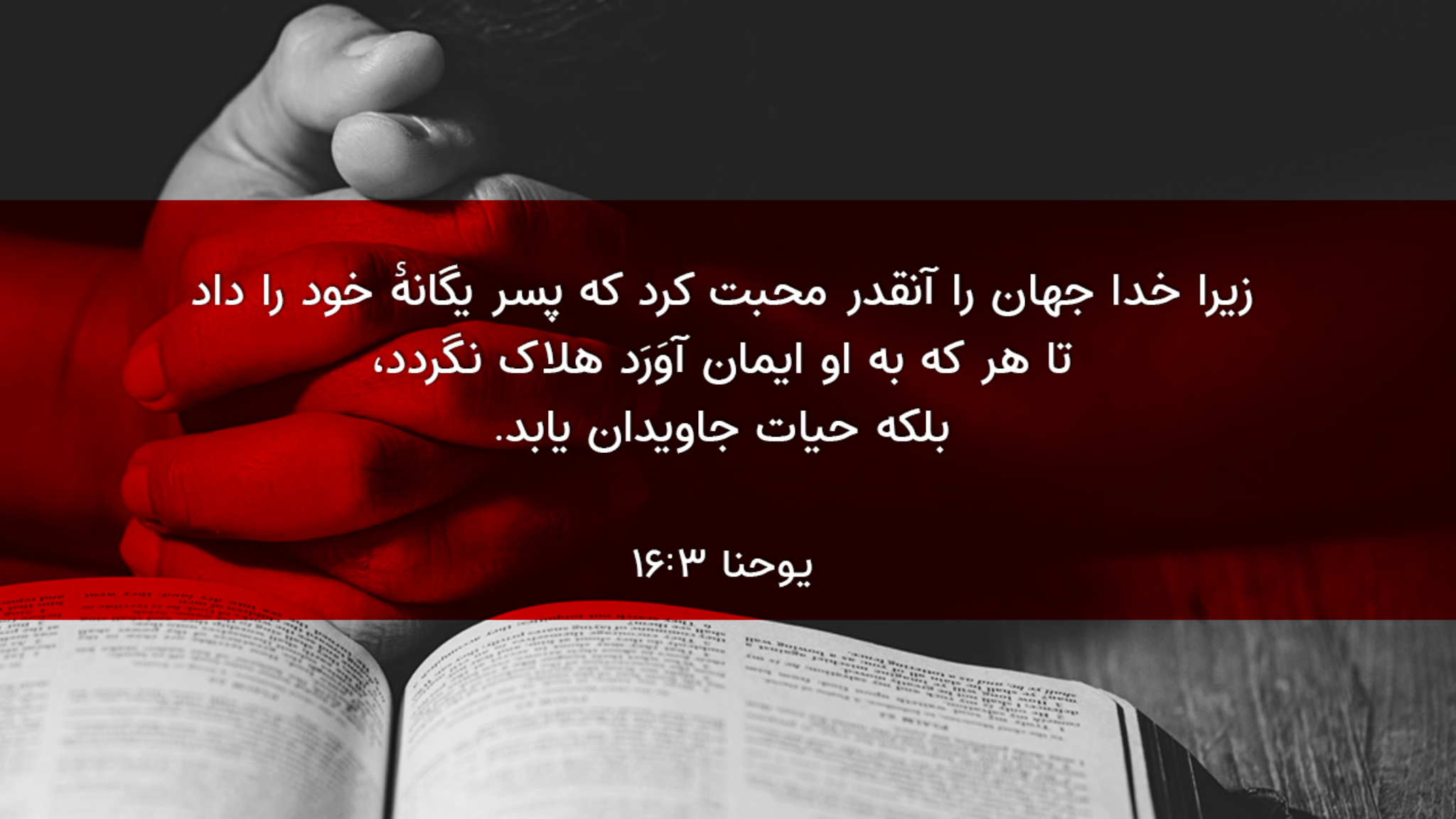
مَرُقُس ۹:۱۵-۱۴



پس پیلاؤس که می‌خواست مردم را خشنود سازد، باراباس را برایشان آزاد کرد و عیسی را تازیانه زده، سپرد تا بر صلیبش کشند. آنگاه سربازان، عیسی را به صحن کاخ، یعنی کاخ والی، بردند و همهٔ گروه سربازان را نیز گرد هم فرا خواندند. سپس خرقه‌ای ارغوانی بر او پوشانیدند و تاجی از خار بافتند و بر سرش نهادند. آنگاه شروع به تعظیم کرده، می‌گفتند: «درود بر پادشاه یهود!» و با چوب بر سرش می‌زدند و آبِ دهان بر او انداخته، در برابرش زانو می‌زدند و ادای احترام می‌کردند. پس از آنکه استهزایش کردند، خرقهٔ ارغوانی را از تنش به در آورده، جامهٔ خودش را بر او پوشاندند. سپس وی را بیرون بردند تا بر صلیبش کشند.

مَرْقُس ۱۵:۱۵-۲۰



A hand is shown holding a bright red heart. The background is a dark, moody scene with an open Bible visible at the bottom. The text is overlaid on a dark red horizontal band.

زیرا خدا جهان را آنقدر محبت کرد که پسر یگانه خود را داد
تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد،
بلکه حیات جاویدان یابد.

یوحنا ۳: ۱۶